روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ • ۱۷ رجب ۱۴۳۷ • ۲۵ آوریل ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۶۷ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۰۵ • اذان صبح فردا ۴:۴۶ • طلوع آفتاب ۶:۱۸

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

ماجرای عشق و عاشقی میدون

اکثریت بی‌کار

پوریا عالمی

● من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوفیا، بابای سوفیا اما عاشق من نیست و روی مسائل دیگری حساس است. برای نوزدهمین‌بار دیروز رفتم خواستگاری که بابای سوفیا گفت: پسر تو هرروز پا می‌شوی می‌آیی خواستگاری. شغل نداری؟

گفتم: فعلا که خواستگاری را به‌عنوان شغل انتخاب کرده‌ام. شما حواست باشد سر ماه باید حقوق بدهی چون یک‌ماه از من کار کشیدی.

بابای سوفیا گفت: یعنی الان باید بهت حقوق بدهم؟ پسر سوفیا را که بدهم ارزان‌تر می‌افتد. اصلا بگو ببینم سوفیا را بگیری چه‌کار می‌کنی بعدش؟

گفتم: آن‌موقع سوفیا را به‌عنوان شغل انتخاب می‌کنم و شما باید به من ارتقای درجه بدهی و حقوقم را بیشتر کنی. بابای سوفیا گفت: تو آمدی خواستگاری یا کارگزینی؟

گفتم: شما جای اینکه از من به‌عنوان کارآفرین برتر تقدیر کنی می‌گذاری توی کارم؟

بابای سوفیا گفت: پسر این‌همه آدم شاغل و آبرودار و اهل کار، چرا تو باید خواستگار سوفیا باشی؟ که تازه من هم بهت حقوق بدهم؟

گفتم:ها هاهاها... قاه‌قاه‌قاه... یوهاها یوپوها... دیگر این‌قدر فوت کردی بادکنکت ترکید... قاه‌قاه قیژقیژ هاهاها... بابای سوفیا قندان را پرت کرد سمتم - که من از موقعیت گل استفاده کردم و با هد قندان را زدم توی دروازه - و گفت: به چی می‌خندی؟

گفتم: شما هی می‌گویی همه شغل دارند جز من... درحالی‌که مجلس ایران گفته «هفت‌میلیون بی‌کار داریم». پس کلا ۲۰۰، ۳۰۰ هزارنفر سر کارند و باقی افراد را گذاشتند سر کار. در ضمن من ترجیح می‌دهم در اکثریت هفت‌میلیونی بی‌کار باشم تا در اقلیت کارخور. شما باید به من افتخار کنی که از بدنه جامعه فاصله نگرفتم و بی‌کار ماندم. دوست داشتی من هم زدوبند کرده بودم و الان داشتم پورشه وارد می‌کردم؟ یا رانت‌بازی کرده بودم و الان مدیرعامل یک شرکت بودم؟ دوست داشتی تحصیل پول حرام کرده بودم؟ بابای سوفیا گفت: بله. کاش هرچی بودی جز اینکه هنوز سوفیا را از من نگرفته، بخواهی بابای سوفیا را بدوشی.

نتیجه‌گیری

کارآفرینی با دوشیدن دیگران فرق دارد.

کارتون خواب

فیروزه مظفری

firoozeh.mozaffari@gmail.com

شعار هفته سلامت: غلبه بر دیابت

پاسخ به فراخوان

نه مجازات، نه هیاهوی بیهوده؛ تنها چاره اصلاح است

رؤیا تیموریان

شکنجه‌ای که به اعظم، زن مشهدی، روا شده است، از موضوعی مفصل و ریشه‌ای پرده برمی‌دارد و آن پیشگیری از خشونت خانگی است. شاید آنچه امروز در رسانه‌ها شاهدش هستیم، درخواست مجازات برای همسر اعظم از یک‌سو و هیاهوی بیهوده‌ای است که با فروکش‌کردن موج از بین می‌رود. اما هیچ‌یک از اینها در بهبود وضعیت بسیاری از زنان که امروز مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند، تأثیرگذار نیست. آنچه تأثیرگذار است اصلاح زمینه‌هایی است که به رفع خشونت خانگی منجر می‌شود. در این راستا تغییر قوانین موجود در حوزه زنان و به‌ویژه قانون خانواده بسیار تأثیرگذار است. قانون خانواده امروز ما قانونی است مربوط به پیش از انقلاب اسلامی که پس از انقلاب تغییراتی در آن برای مطابقت با شرع اسلام صورت گرفت. اما این قانون حتی پیش از انقلاب نیز مورد انتقاد بسیاری از حقوق‌دان‌ها بود. امروز بسیاری از قوانین مربوط به زنان مثل قانون دیه زنان در تصادفات تغییر کرده است و این خود نشان از اهمیت‌داشتن زنان برای اسلام و ایران است. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که هم جمهوری اسلامی تأکید بسزایی به نقش زنان داشته است و هم بزرگان مذهبی ما احترام به زنان را بارها مورد تأکید قرار داده‌اند. زنان این کشور کسانی هستند که در انقلاب، جنگ و تحریم‌های اقتصادی بیشترین نقش را داشته‌اند و همین مادران، دختران و خواهران بوده‌اند که در سخت‌ترین شرایط، ساختمان محکم جامعه یعنی خانواده را حفظ کرده‌اند. ازهمین‌رو اصلاح قوانین به نحوی که قدرت زنان را در جامعه افزایش دهد و مانع از اعمال خشونت علیه آنها شود، راهکاری است که باید مورد توجه قرار گیرد. مخصوصا در مجلس آینده که مجلسی پیشرو محسوب می‌شود، پیگیری اصلاح و تصویب قوانین زنانه باید یکی از اولویت‌ها باشد. زنی که مورد خشونت قرار گرفته باید حس کند قانون به نحوی پشت اوست که می‌تواند به پشتوانه قانون از همسرش شکایت کند یا از او جدا شود. اما در کنار این، دولت هم باید بهترین امکانات را برای حمایت از زنان فراهم کند. امروزه در دنیا، زنان، کودکان و سالمندان ازجمله گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند که باید از آنها در برابر انواع خشونت‌ها و آسیب‌ها مثل جنگ‌ها یا حتی بلایای طبیعی حفاظت و حمایت کرد. متأسفانه امروز حمایت از زنان آسیب‌دیده مثل زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست به دست نهادهای مردمی سپرده شده است. اگرچه این نهادها خود توانسته‌اند شرایطی را برای این زنان فراهم کنند که آنها همان‌طور که شایسته زنان ایرانی است با سربلندی زندگی کنند و خانواده خود را بسازند اما نهادهای مردمی تنها نمی‌توانند به این زنان کمک کنند. تهیه امکانات حمایتی، اقتصادی، آموزشی و... برای زنان خشونت‌دیده برعهده دولت‌هاست. من نه حقوق‌دان هستم و نه مقام مسئول اما به خاطر نعمتی که خداوند به ما اعطا کرده که دوربین‌ها به سمت ماست، وظیفه خودم می‌دانم که درباره این مسئله صحبت کنم. زیرا می‌دانم اعظم اولین و آخرین زنی نیست که مورد چنین خشونتی قرار گرفته و اگر این خشونت‌ها ادامه پیدا کند خانواده و آینده فرزندان این سرزمین نابود خواهد شد و این اتفاق برای پیشبرد اهدافی که یک کشور برای پیشرفتش دارد مضر است. این اتفاق به فرهنگ کشور آسیب می‌زند و آنچه امروز نیازمند آن هستیم فرهنگ‌سازی به معنی بالابردن خِرد اجتماعی است. نکته آخری که بحث مفصلی می‌طلَبد اما من می‌خواهم اشاره‌ای به آن داشته باشم، رسیدگی به چگونگی و چرایی اعتیاد است که با وجود سال‌ها تلاش هنوز ریشه‌کن نشده است. اعظم، قربانی همسر معتادش شده است و امروز خبری شنیدم درباره زن معتادی که مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود. رفع این معضل هم باید در اولویت قرار داده شود.

همین حوالی

برخورد هوشمندانه با آسیب‌ها

امیرحسین علم‌الهدی

باید خدمت عزیزان نیروی انتظامی و عرض کنیم نیت خیر در مجموعه سیاست‌های کاهش آسیب‌های اجتماعی نمی‌تواند به خروجی مثبتی در این کاهش آسیب‌ها منجر شود و هر واکنشی به آسیب‌های اجتماعی به دلیل «گستردگی اجتماع» اگر با هوشیاری در نحوه برخورد با آسیب‌های اجتماعی و فرهنگ‌سازی همه‌جانبه همراه نباشد می‌تواند باعث اثراتی به پیکره نظام شود و این با جوهره انقلاب اسلامی که تصحیح چهره اسلام رحمانی بوده است در تضاد است و تمام تصمیمات حاکمان یک کشور اسلامی قاعدتا باید به این فرمایش پیامبر اسلام (ص) ختم شود: «انما بعثت لا تمم مکارم‌الاخلاق»...

ترویج مکارم اخلاقی مهم‌ترین دلیل مبعث آن بزرگوار بوده است و هر نهاد و مسئولی اگر بخواهد در حاکمیت یک کشور اسلامی قوانینی وضع کند باید با رسالت اصلی پیامبر اسلام(ص) همخوان باشد. طرح هفت‌هزار نیروی پلیس غیرمحسوس قطعا اثراتی بر پیکره آموزه‌های دینی خواهد داشت و متولیان این طرح که قطعا دارای نیات خیر بوده‌اند اما متأسفانه فاقد دانش لازم چگونگی مواجهه با آسیب‌های اجتماعی از قبیل بدحجابی و... هستند و این عزیزان متوجه این نکته مهم نیستند که پدر خانواده اگر بخواهد فرزندان خود را به‌درستی تربیت کند نمی‌تواند از فرزندان خود برای آن دیگری به‌اصطلاح عامیانه «مامور» بگمارد و در خانواده نیز این تصمیم را «علنی» کند! بدحجابی زنان و دختران و مزاحمت‌های برای نوامیس مردم توسط پسران و مردان اگر گسترده شده است که فقط در تهران نیاز به هفت‌هزار نیروی مخفی دارد خب توصیه می‌کنم به تمام مدیران و مسئولان متولی جوانان و خانواده‌ها، که نگاهی به کارنامه‌شان بیندازند و از این وضعیت اسف‌بار، از همان مردمی که خواسته‌اند که نیروی مخفی برای همسایه و فامیلشان بگذارند عذرخواهی کنند که اگر به این وضعیت تأسف‌بار رسیده‌ایم واقعا دست‌مریزاد باید گفت به این عزیزان مدیر و مسئول که همه آنان فقط در لفظ و نه کارآمدی، دغدغه حفظ کرامت انسانی را دارند که نه بلدند آسیب‌های اجتماعی را تحلیل و بررسی و کنترل کنند و نه بلدند با این آسیب‌ها به شکل علمی و هوشمندانه برخورد کنند!

سلام به فردا

چند پاسخ به صحبت‌های خطیب نماز جمعه تهران درباره نمایشگاه کتاب

اسلام دین تبادل افکار است و نمایشگاه فرصت آن

محمدتقی فاضل‌میبدی

خطیب نماز جمعه تهران، در خطبه‌های اخیر خود درباره نمایشگاه کتاب گفته بودند: «در نمایشگاه کتاب از کشورهای مختلف کتاب به نمایش گذاشته می‌شود و برخی می‌خواهند فرهنگشان را این‌گونه تزریق کنند. اگر خدایی‌نکرده در بین این کتاب‌ها یک کتاب گمراه‌کننده باشد و یک جوان آن را بخرد و به خانه ببرد و به واسطه آن، خواهر، برادرش یا پدر و مادرش را نیز گمراه کند، شما (مسئولان) تا قیامت گرفتار عذاب الهی خواهید بود؛ بنابراین این شوخی نیست بلکه باید دید چقدر قدرت کنترل از طرف مسئولان ذی‌ربط وجود دارد. ما که نمی‌خواهیم با این نمایشگاه پز بدهیم. اصلا نمایشگاه کتاب این‌چنینی را نمی‌خواهیم. چرا باید درهای کشور بر روی کتاب‌هایی باز شود که این کتاب‌ها می‌تواند جامعه ما را از مسیر حق منحرف کند. من توصیه می‌کنم این کتاب‌هایی که به کشور وارد می‌شود را مورد بررسی قرار داده و بعد به نمایش بگذارند». چند پاسخ به این ایرادات خطیب نماز جمعه تهران دارم. آیا منظور از این سخنان این است که نمایشگاه کتاب بد است یا منظور این است که به خاطر بعضی کتب غربی که در این نمایشگاه عرضه می‌شود، این نمایشگاه بد است؟ اگر قسمت اول مد نظر است باید گفت نمایشگاه کتاب یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران است. هرساله در جریان این نمایشگاه از ناشران بزرگ جهان دعوت به عمل می‌آید که به ایران بیایند و این‌طور هم با کتاب‌ها، متفکران، محققان و اندیشه‌های ایرانی و اسلامی آشنا شوند و هم ما را در جریان آخرین تغییرات در اندیشه‌ها و افکار دنیا قرار دهند. ازاین رو هر کسی بخواهد با فکر یا متفکری آشنا شود بهترین جا برای او نمایشگاه کتاب است؛ اما اگر منظور این است که نمایشگاه کتاب نباید جایی برای عرضه کتاب‌هایی از فرهنگ‌های دیگر باشد و به این دلیل بد است هم باید اشاره کرد مگر نه اینکه اسلام دین تبادل افکار است؟ مگر نه آنکه قرآن کریم بر بندگانی که همه قول‌ها را می‌شنوند و بعد آن را که از همه بهتر است برمی‌گزینند، بشارت داده است. مگر نه اینکه پیامبر اسلام(ص) فرموده‌اند حکمت بیاموزید حتی اگر در دورترین نقاط زمین باشد و مگر نه اینکه امامان ما مناظره را یکی از راه‌های پیشبرد دین می‌دانسته‌اند. در قرون سوم و چهارم اسلامی آنچه باعث گسترش اسلام و شکل‌گیری تمدن اسلامی در فتوحات مسلمانان شد، ترجمه اندیشه‌های رایج آن زمان به زبان عربی توسط اندیشمندان اسلامی و نقد و پرورش آنها بود. اگر ما باور داریم اسلام دین فطری است و می‌تواند با فطرت انسان‌ها سخن بگوید چرا نباید بگذاریم متفکران مختلف، افکارشان را به ما عرضه کنند و انسان‌ها براساس فطرتشان به نقد این اندیشه‌ها بپردازند. این پیام اسلام را امروز بسیاری از مؤسسات اندیشه اسلامی در شهرهای مذهبی ایران و به‌ویژه قم دریافته‌اند. به‌همین‌دلیل آنها نه‌تنها آثار مختلف سایر کشورها، از فلسفه و حقوق گرفته تا اخلاق و هنر را می‌خوانند و ترجمه می‌کنند که تلاش می‌کنند اندیشه‌های خودشان را نیز در قالب کتاب و مقاله به دنیا عرضه کنند. راه جلوگیری از انحراف و نفوذ، تعطیل‌کردن نمایشگاه کتاب و بستن درها نیست. راهش این است که اگر ناشران غیرایرانی در نمایشگاه کتاب ما حاضر می‌شوند، ناشران ما نیز در نمایشگاه‌های کتابی که هرساله در نقاط مختلف دنیا برگزار می‌شود، شرکت کنند. نمایشگاه کتاب یعنی پهن‌کردن سفره اندیشه و تفکر به روی همه مردم و نباید این سفره را برچید بلکه باید آن را بیشتر و بیشتر گستراند.

پرسه

اردیبهشت بی‌کاری

سعید برآبادی: دور میدان‌های شهر، کارگران فصلی نشسته‌اند، همه‌جا، از منیریه تا ونک، از امامت تا شهران. هوا گرم شده و دیگر خبری از نوروز نیست اما آنها پخش شده‌اند در شهر و منتظرند بلکه «دوزار» کاسب شوند. میدان حر، اصلی‌ترین پاتوق کارگران فصلی است. ماشین که نزدیکشان می‌شود، جستی می‌زنند به طرفش: «آقا سوار شم؟»، «آقا ارزونه‌ها»، «وردستام رو هم بیارم؟» حتی نمی‌پرسند قرار است بروند برای چه کاری، فقط می‌دانند که احتمالا یا باید دیواری را خراب کنند یا مصالح ببرند به طبقات ساختمان. روزی ۵۰هزارتومان باید درآمد داشته باشند اما «چه کنیم؟ کار که نیست، بگن ۳۰ تومن هم میرم». در بینشان که می‌نشینی، زندگی‌شان درست براساس گذران روزها پیش می‌رود: «امروز رو غروب کنیم، خدا برای فردا بزرگه». وقت اضافه را می‌گذارند برای دیدن عکس‌ها و کلیپ‌هایی که از تلگرام سیو کرده‌اند، قاه‌قاه می‌خندند و گاهی از ترس مأموران سدمعبر شهرداری، جایشان را تغییر می‌دهند؛ گاهی به طرف میدان گمرک و زمانی در حاشیه میدان قزوین. برای کارگران فصلی در بخش‌هایی از شهر، اتاقک‌های انتظار درست شده و اسمش را گذاشته‌اند طرح ساماندهی کارگران فصلی که یک نمونه‌اش در حاشیه میدان قزوین است. اما اگر کارگری بخواهد شب، دست خالی به خانه نرود باید پنج و شش صبح، دور میدان باشد: «اگه صبح بیای کار هست، ماشینا میان از سر گذر کارگر می‌برن برای کارگاه‌ها، مثلا همین دیروز یه کارگاه دمپایی اومد، پنج‌تا کارگر رو برد، کارشون خوب باشه نگهشون میدارن». این را اسماعیل می‌گوید، چهل‌وخرده‌ای سن دارد و این اولین ماه بی‌کاری اوست: «تا عید تو یه کارگاه پلی‌استرکار می‌کردم، اما شب عیدی گفتن دیگه حقوق نداریم، منم اومدم اینجا با چندتا از رفقا، خدا بزرگه». آرزوهایشان فرق می‌کند، می‌دانند که امروز روز کارگر است اما اردیبهشت بی‌کاری، برایشان دل و دماغی نگذاشته تا به خودشان تبریک بگویند و اگر تبریکی هم بشنوند، فقط پوزخندی حواله می‌کنند. سجاد که نشسته در حاشیه ونک، از هشتم عید هرروز صبح می‌آید همین‌جا. می‌گوید از ۱۲ ماه سال قبل، فقط یک ماه، هرروز سر کار بوده: «یک شرکت خدماتی بود و ما را برای تمیزکاری می‌خواست». تا روزی صدهزارتومان هم درآمد داشته اما ۳۰ درصدش به شرکت خدماتی می‌رسیده و از بیمه هم خبری نبوده. می‌پرسم که چرا نمی‌روی سر کار ثابت و همان جواب کلیشه‌ای «کو کار؟» را حواله‌ام می‌کند. او و سه کارگر دیگر از هفتم فروردین آمده‌اند اینجا و دنبال کارهای روزمره‌اند: «معمولا برای جابه‌جایی میز و صندلی در اداره‌ها یا شرکت‌ها می‌آیند دنبالمان. یک پولی هم می‌دهند؛ ۲۰، ۳۰ تومن». سجاد ۳۰ سال دارد و سیکلش را به‌زور گرفته و الان یک‌سالی می‌شود که با همین کارهای ریزودرشت در تهران زندگی می‌کند، به امید روزی که یک موتور بخرد و دستش به جیبش برود.

پیشنهاد

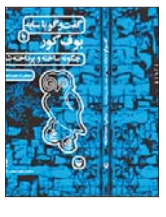

● کتاب (گفت‌وگو با سایه یا بوف کور چگونه ساخته و پرداخته شد؟) دوشنبه ششم اردیبهشت، ساعت ۱۵ در پژوهشکده دانشگاه هنر تهران رونمایی می‌شود. این کتاب حاصل تحقیق هفت‌ساله حبیب احمدزاده است. علی دهباشی، مدیر مجله بخارا، در مورد این کتاب نوشته: «کتاب گفت‌وگو با سایه، ما را با لذت، با وجوه ناشناخته‌ای از بوف کور آشنا کرده و پنجره تازه‌ای به تحقیقات هدایت‌شناسی می‌گشاید». سخنرانان این مراسم جهانگیر هدایت، خسرو سینایی، اکبر عالمی، دکتر بنی‌اردلان و علی دهباشی هستند. این کتاب به‌همراه دی‌وی‌دی فیلم (گفت‌وگو با سایه) اثر خسرو سینایی به‌زودی توسط انتشارات سوره مهر به بازار عرضه خواهد شد.